■ انقلاب مستمر، تداوم همان عناصری است که امام خمینی آنها را عوامل پیروزی و از علل مبقیه انقلاب اسلامی دانسته‌اند و در نگاه رهبر معظم انقلاب، به معنای حفظ خط مستقیم و جهت‌گیری دینی انقلاب اسلامی است

تحلیل «وطن امروز» از اهم مطالب بیان‌شده در دیدار اخیر رهبر معظم انقلاب با مردم آذربایجان شرقی

انقلاب، زنده و زاینده

دغدغه‌مندی نسل جدید پیرامون اهداف و آرمان‌های انقلاب چون پیشرفت و عدالت، نشان از پویایی و استمرار نهضت اسلامی دارد

در آستانه سالروز قیام تاریخی مردم تبریز در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶، رهبر حکیم انقلاب اسلامی صبح روز پنجشنبه در ارتباط تصویری با جمعی از مردم آذربایجان شرقی به موضوعات و مسائل مهمی پرداختند که شاه‌بیت این قصیده را می‌توان مساله استمرار نهضت و انقلاب مستمر دانست. ایشان استمرار انقلاب و ارزش‌های انقلاب را رمز پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی دانستند و با برشمردن ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، همه را به تلاش و مجاهدت برای اعتلای این ارزش‌ها و آرمان‌ها دعوت کردند. رهبر حکیم انقلاب این آرمان‌ها و هدف‌ها را این گونه احصا کردند: «حالا «هدف‌های انقلاب» که گفتیم، یعنی چه؟ یعنی پیشرفت کشور، عدالت اجتماعی در کشور، اقتدار کشور، تشکیل جامعه اسلامی در کشور و در نهایت رسیدن به تمدن نوین اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی؛ هدف‌های انقلاب اینها است». معظم‌له در نکته‌ای قابل توجه زنده بودن انقلاب را در علاقه‌مندی و دغدغه‌مندی نسل جدید نسبت به آرمان‌های انقلاب مطرح کردند و فرمودند: «حالا «زنده بودن انقلاب» یعنی چه؟ یعنی دلبستگی نسل‌های جدید کشور به آرمان‌های انقلاب. امروز مردم دلبسته همان آرمان‌هایی هستند که انقلاب مطرح کرد؛ یعنی استقلال ملی، عزت ملی، رفاه ملی، عدالت اجتماعی، تحقق جامعه اسلامی و در نهایت، همان‌طور که عرض کردیم، ایجاد تمدن نوین اسلامی». برای بررسی بیشتر مسائل و شرح اهم مطالب مطرح‌شده در سخنرانی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای یادداشت‌هایی تحلیلی تقدیم می‌شود.

دکتر مرتضی شیرودی
دانشیار پژوهشگاه امام صادق(ع)

انقلاب مداوم، انقلاب پیوسته، انقلاب دائم یا انقلاب مستمر که معادل «permanent revolution» است، اصطلاحی است که در علوم سیاسی جهان مطرح است. در عالم سیاست، نخستین‌بار «کارل مارکس» آلمانی بود که آن را در رساله «خطاب به جامعه کمونیست‌ها» به کار برد اما «تروتسکی» به بسط آن دست زد. مراد تروتسکی از انقلاب مستمر، از یک سو گره زدن انقلاب بورژوایی ۱۹۰۵ روسیه با انقلاب پرولتاریایی آن کشور بود و از دیگر سو، امیدوار بود انقلاب روسیه به ظهور انقلاب‌های اروپایی منجر شود. با گذشت زمان، مفهوم انقلاب مستمر بسط یافت و اینک، در ایران با آنچه در بین کمونیست‌ها معنا شده، تفاوت‌های بنیادی دارد. از این رو، انقلاب مستمر در انقلاب اسلامی، همان حفظ خط مستقیم و جهت‌گیری دینی انقلاب ایران است که در مدتی طولانی ادامه یافته است. رهبر معظم انقلاب ۱۹ بهمن ۸۳ در همین رابطه می‌فرمایند: «اولین انقلابی که با مردم شروع کرد، با مردم ادامه داد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را تغییر نداد و اهداف خود را کم و زیاد نکرد، انقلاب اسلامی ایران است. این انقلاب به نام خدا و برای مردم و برای عدالت و استقلال و آزادی آغاز شد و این راه را همچنان ادامه داده است. هنوز شعارها همین‌هاست و به توفیق الهی این شعارها همچنان خواهد بود».

یا در سخنرانی ۲۲ بهمن ۹۷ می‌فرمایند: «انقلابی است که ملتی ستم‌دیده، کمر همت می‌بندد و به پا می‌خیزد و با تغییر حکومتی وابسته و ظالم، آرمان‌های انقلابی خود را می‌افشاند و یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر می‌نهد و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است».

استمرار انقلاب نیازمند استمرار در ۵ مولفه است، تداوم حرکت‌های انقلابی، استمرار ارزش‌های انقلابی، تداوم مقاومت انقلابی، استمرار خودسازی انقلابی و تداوم تمدن‌سازی انقلابی. اکنون به توضیح کوتاهی از هر یک از این موارد می‌پردازیم:

۱) تداوم حرکت‌های انقلابی

انقلاب اسلامی با مجموعه‌ای از حرکت‌های انقلابی شناخته می‌شود که هر یک، دشمنان را غافلگیر کرد و کاروان انقلاب را به پیش برد. در واقع کمتر کسی پس از انقلاب گمان می‌کرد امام دستور برگزاری همه‌پرسی نام حکومت را صادر کند. همگان در برابر فرمان امام در باقی ماندن ارتش متعجب شدند. تنها شجاعت کم‌نظیر امام مانع از کاندیداتوری مسعود رجوی در انتخابات ریاست‌جمهوری شد و روحیه مردم را در مقابل ترورهای چند هزار نفره منافقین حفظ کرد. او حمله صدام به ایران را به حمله یک دیوانه تشبیه کرد و همه را برای ایستادن در برابر آن فرا خواند. امام از اشغال جاسوسخانه آمریکا در فضای تردید و تشکیک، پشتیبانی کرد. هیچ‌کس غیر از امام را یارای پذیرش قطعنامه و پایان دادن به جنگ و عزل منتظری از قائم‌مقامی نبوده است. این اقدامات تنها از رهبری برمی‌آید که اعتقادی به حرکت‌های کند، بی‌هدف و بی‌تأثیر در تداوم یک انقلاب مردمی ندارد و آن، تنها در فضای برآمده از باورهای عمیق مذهبی شکل می‌گیرد. از این رو نمی‌توان هیچ یک از اقدامات امام را غیرانقلابی که با روح و ذات انقلاب مغایر است، دانست. حرکت‌های انقلابی با همان شیب تند و با همان ماهیت اسلامی اما در بخش‌های گسترده‌تری در دوره زعامت مقام معظم رهبری ادامه یافت.

۲) استمرار ارزش‌های انقلابی

از آنجا که تنها قانون برای اسلامی‌سازی جامعه کافی نیست، مؤسسات اجرایی فراوانی برای اجرای آن پدید آمدند که نام نهادهای انقلابی به خود گرفتند و در کنار مؤسسات اجرایی اصلاح‌شده از رژیم، در خط اجرایی قوانین اسلامی قرار گرفتند. اما همواره گرایش برخی حتی در سطوح بالای مدیریتی به ارزش‌های غربی و ارزش‌های شاهنشاهی، کار نهادینه‌سازی قوانین اسلامی را گاه کند کرده است. فشارهای حقوقی و سیاسی جهانی از سوی کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی بر اجرای قوانینی چون قانون ۲۰۳۰، از دیگر موانع به شمار می‌روند. علی‌رغم همه این مسائل، ایران کشوری است اسلامی که در آن اجرای قوانین اسلامی نه به تندی داعش و نه به کندی بسیاری از کشورهای اسلامی در جریان است. اگر بخواهیم انقلاب به حرکت مستمر رو به جلوی خود ادامه بدهد، نیازمند استمرار ارزش‌های انقلاب هستیم.

۳) تداوم مقاومت انقلابی

پس از انقلاب، گفتمان مقاومت به معنای عام مفهوم تازه‌ای گرفت. بدان جهت که آمریکا از ابتدا و البته بیشتر پس از تسخیر لانه جاسوسی بنای بی‌سابقه‌ترین مخالفت‌ها را با ایران انقلابی نهاد و در همه دسیسه‌ها از جمله شورش‌های قومی، جنگ تحمیلی، اقدامات تروریستی، تحریم‌های اقتصادی و نظایر آن، به مشارکت مستقیم و آشکار علیه نظام پرداخت و همواره کوشید ایران را در صحنه بین‌المللی منزوی و واکنش‌های جهانی علیه ایران را برانگیزد. راهبرد ایران در مواجهه با همه این اقدامات که هر یک می‌توانست به فروپاشی نظام بینجامد، مقاومت انقلابی بود که حاصل آن شکست‌های پی‌درپی آمریکا و متحدان منطقه‌ای و جهانی‌اش بوده است.

گفتمان مقاومت به مفهوم خاص، اشاره به مقاومتی دارد که به تأثیر از انقلاب اسلامی در حزب‌الله لبنان شکل گرفت. در واقع، با صدور مفهوم مقاومت به غرب آسیا، ملت‌های اسلامی برای نخستین‌بار در مصاف با دشمنان خارجی به اسلام انقلابی تکیه کردند. موفقیت حزب‌الله در جنگ با رژیم صهیونیستی با تکیه بر عنصر مقاومت انقلابی، باعث شد «ساف» به‌مثابه سازمانی سازشکار، از نبرد با اسرائیل خارج و «حماس» جایگزین آن در محور مقاومت شود. پیروزی‌های پی‌درپی حزب‌الله و حماس بر کشوری که ادعا می‌شد شکست‌ناپذیر است، روح تازه‌ای بر ملت‌های تحت ظلم منطقه دمید تا با انتخاب مقاومت، به سلطه اجانب خاتمه دهند. لذا گفتمان مقاومت انقلابی هم‌اینک راهبرد شیعیان بحرین در جدال با آل‌خلیفه و راهبرد زیدی‌های یمن در مصاف با آل‌سعود قرار گرفته است. پیروزی ایران - سوریه از یک طرف و حزب‌الله - حشدالشعبی از سوی دیگر بر داعش اوج توانمندی محور مقاومت را به نمایش گذاشته است تا حدی که هر گونه امید غرب برای سلطه گذشته خود بر منطقه را ناامید و نقشه شوم آن را نقش بر آب کرده است. اربعین نیز با تزریق مفهوم مقاومت حسینی در برابر ظلم، از حیث محتواسازی پشتیبان معنوی گفتمان مقاومت انقلابی طی سال‌های اخیر قرار گرفته است. مقاومت انقلابی با تکیه بر مفاهیم اصیل اسلامی برآمده از اسلام ناب، تنها به مقاومت عددی، کمی و نیرویی نمی‌اندیشد، بلکه با ارتقای توان نظامی بویژه در بخش‌های موشکی و پهپادی، موضع تدافعی خود را به تهاجمی تغییر داده و با برگ برنده آماده دفاع از کیان اسلام است.

۴) استمرار خودسازی انقلابی

نهضت اسلامی مردم ایران از مسجد آغاز شد و توسط کسانی که در مسجد تربیت شده بودند، راه خود را پیمود. حضرت امام خمینی قدس‌سره در سال‌های نخستین نهضت، بر خودسازی اسلامی به عنوان عنصر مهم و ممیز تاکید کرده‌اند، به‌گونه‌ای که معظم‌له در پایان مبارزه موفقیت‌آمیز در توقف لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، همگان و خاصه روحانیون را به تهذیب اخلاق دعوت می‌کنند و در خطاب به آنان گفته‌اند: «شکست مال بیچاره‌هاست؛ شکست مال کسانی است که معتمد به شیطانند و ذخایر دنیا قلب‌شان را فرا گرفته است». در واقع، شیوه مبارزاتی امام که نه سیاسی و نه نظامی، بلکه بر مبارزه فرهنگی تکیه داشت، راهی غیر از خودسازی را پیش پای مبارزان نمی‌نهاد؛ امام در برنامه مبارزه مندرج در انتهای کتاب «ولایت فقیه» بر خودسازی روحانیون به عنوان پیشتازان مبارزه اصرار کرده است. به‌علاوه، راه سخت و دشوار جدال با رژیمی سفاک با شکنجه قرون وسطایی و... جز با خودسازی عمیق، میسر نبوده است. در پی تبعید امام به ترکیه، ایشان از جمیع بستگان و خویشاوندان می‌خواهد که صبر پیشه کنند و زاری نکنند. از مبارزان می‌خواست: «مجهز کنید خودتان را برای تحمل ناملایمات و سختی‌ها در راه خدای تعالی؛ ممکن است خدای نخواسته روزهای سختی پیش آید». امام با سلاح خودسازی، انسان‌هایی چون آیت‌الله سعیدی، شهید اندرزگو، شهید طیب و... تربیت کرد و با آنان رژیم را از پای درآورد. برجسته‌ترین خودسازی‌ها در بعد از انقلاب و در دفاع مقدس روی داد. آنچه بسیجیان را در نبرد نابرابر با دشمن بعثی پیروز کرد، دلدادگی آنان به خدا بود. انقلاب، آنان را مهذب کرده بود و با این تهذیب اخلاقی، قوی‌ترین سلاح‌های دشمن را به زانو درآوردند.

۵) تداوم تمدن‌سازی انقلابی

در جامعه تمدنی امام، از شکاف طبقاتی خبری نیست و مستضعفان در کنار ثروتمندان، از مواهب الهی بهره‌مندند. چنین جامعه‌ای دارای حکومت اسلامی‌ای است که تنها بر مدار قانون حرکت می‌کند و البته در آن فساد و ظلم مخل توسعه‌اند. تأسیس نهادهای مرتبط و توانا، قادر است امکانات را سازمان دهد و از آن، برای جلو بردن کشور بهره گیرد. گشودن افقی بلند در پیش چشم همگان، میل عمومی را برای ایجاد جامعه نمونه برانگیخت. رهبری انقلاب، مفهوم نوتری از تمدن مطرح کرده است؛ تمدنی که تنها تا جایی میل به گذشته دارد که بتواند روی پای خود بایستد. از آن پس، بیگانه از گذشته دور و نزدیک، راه جدیدی بنیاد می‌نهد. چون در غیر این صورت، فقط حیات نباتی دارد و بس، که کافی است لحظه‌ای اکسیژن آن قطع شود، از این رو، نام تمدن نوین اسلامی به خود گرفته است؛ تمدنی نو که در نهایت تنها قرابتش با گذشته، در نام تمدن است. جز این هم چاره‌ای نیست چون تمدن‌هایی که از هم نیرو می‌گیرند، زود هم به زوال می‌رسند اما تمدن نوین اسلامی قصد ماندگاری دارد حتی بیش از هر تمدنی که تاکنون بوده است، زیرا تنها شیعه است که توانایی ساختنی را دارد که عناصر معیوب خلافت و امارت در آن، راهی ندارد. این تمدن، از عناصر سرزنده شیعه که آن را از تعداد قلیل یاران علی(ع) در خانه فاطمه سلام‌الله‌علیها، به ۴۵۰ میلیون رسانده است، نشأت می‌گیرد. تمدن نوین اسلامی از آموزه‌های تمدنی اولین کشور جهان یعنی ایران و آخرین دین الهی یعنی اسلام آبیاری می‌شود. لذا از تجدد غربی هراسان و از تخریب تمدن شرقی بیمناک است و خود از هر دوی آنها بری و دور است.

در یک جمع‌بندی می‌توانم بگویم در واقع انقلاب مستمر، تداوم همان عناصری است که امام خمینی آنها را عوامل پیروزی و از علل مبقیه انقلاب اسلامی دانسته است و این در نگاه رهبری انقلاب، به معنای حفظ خط مستقیم و جهت‌گیری دینی انقلاب اسلامی است. بخش نخست بیانیه گام دوم انقلاب، انقلاب مستمر در تراز انقلاب اسلامی را واجد مؤلفه‌های تداوم حرکت، ارزش‌ها، مقاومت، خودسازی و تمدن‌سازی انقلابی شمرده است. بی‌شک هر یک از مؤلفه‌های پنجگانه سازنده انقلاب مستمر که عرض کردم، به تنهایی قادر است کوه‌ها را جابه‌جا کند، موانع را بردارد، زمینه‌ها را فراهم کند و توسعه را به ارمغان آورد. اما در کنار هم قرار گرفتن آنها در یک سلسله‌مراتب نردبانی هم‌گرا، هم‌افزایی را در جهت نیل به تمدنی در تراز انقلاب اسلامی تشدید می‌کند.

انقلابی؛ حامی مستضعف و دشمن استکبار

اشکان صدیق: حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در قسمت‌های پایانی بیانات‌شان در دیدار مردم آذربایجان شرقی به نکته‌ای اشاره کردند که باید پیوسته سرلوحه و سرمشق مسؤولان کشور قرار گیرد. ایشان ۲ عنصر زندگی اشرافی و تسلیم در برابر استکبار را متعارض و منافی با انقلابی‌گری دانستند و فرمودند: «حالا انسان می‌شنود که افرادی می‌گویند نظام از هدف‌های انقلاب دور شده؛ می‌خواهند نشان بدهند که به انقلاب دلبسته‌اند. من قبول ندارم این حرف را؛ من دلبستگی آنها به انقلاب را هم قبول ندارم. کسی که زندگی اشرافی را دنبال می‌کند و اصلا حرکتش حرکت اشرافی است، نمی‌تواند شعار حمایت از پابرهنه‌ها را قبول داشته باشد. شعار انقلاب شعار حمایت از مستضعفین و حمایت از پابرهنه‌ها است؛ افرادی که دنبال زندگی اشرافی هستند و حرکت‌شان حرکت اشراف‌منشانه است، نمی‌توانند به این شعار وفادار باشند. شعار انقلاب مقابله با استکبار است، مقابله با حرکت استکباری و قدرت‌های استکباری است؛ این کسانی که دم از تسلیم در مقابل استکبار می‌زنند، دم از تسلیم در مقابل آمریکا می‌زنند، نمی‌توانند به این انقلاب و به این هدف‌ها پابند باشند؛ این حرف قابل قبولی نیست».

حضرت امام خمینی(ره) که بدرستی ایشان را امام مستضعفین می‌نامند نیز مکررا درباره خو گرفتن به زندگی اشرافی به مسؤولان جمهوری اسلامی هشدار می‌دادند: «ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش‌های اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفان و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته یا به آنان کمک می‌کنند، آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی ۲ مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند».

از طرفی دنیازدگی و فاصله گرفتن از مردم محروم و مستضعف سبب از بین رفتن روحیه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در برابر زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های جهانی و نظام سرمایه‌داری به رهبری ایالات متحده آمریکا می‌شود به طوری که پس از چندین سال خو گرفتن به زندگی لوکس و مرفه، حاکمان دنیازده با ظاهری انقلابی، مذاکره و در نهایت تسلیم شدن در برابر شیطان بزرگ را تئوریزه کرده و در تلاشند آن را گفتمان غالب جامعه اسلامی کنند. ساده‌زیستی و فاصله نگرفتن از مستضعفین شعاری است که نه‌تنها امامین انقلاب، بلکه امیرالمومنین(ع) در نهج‌البلاغه شریف آن را واجب الهی بر حاکمان و مسؤولان حکومت عدل اسلامی می‌دانند.

«إنَّ‌الله تعالی فَرَضَ علی أئمّةِ العَدلِ أن یُقَدِّروا أنْفُسَهُمْ بِضَعَفَهِ النّاس، کَیْ لا یَتَبَیَّغَ بالفقیرِ فَقْرُهُ؛ همانا خداوند بر پیشوایان عادل واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان همسان کنند، تا تنگدستی فقیر، او را برنیاشوبد».

خسارت محض تکرار نشود

رهبر انقلاب در دیدار اخیرشان با اقشار مردمی با اشاره به مساله برجام گفتند: در قضایای برجام در سال‌های ۹۴ و ۹۵ ایراد و اعتراض بنده این بود که نکاتی باید در برجام رعایت می‌شد تا مشکلات بعدی پیش نیاید و در تذکرات هم مکرر آنها را گفتم اما بعضی از آن نکات مورد توجه قرار نگرفت و مشکلات بعدی - که همه مشاهده می‌کنند - پیش آمد.

در شرایطی که این روزها در وین مذاکرات برای تعیین تکلیف توافق هسته‌ای موسوم به برجام ادامه دارد و دیپلمات‌ها از پیشرفت آن و رسیدن به مراحل پایانی خبر می‌دهند، توجه به این فراز از بیانات رهبری اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند؛ هشدار و انذار ایشان درباره درس گرفتن از برجام و اتفاقاتی که موجب رقم خوردن توافقی شد که آن را خسارت محض نامیدند، خسارت محضی که موضوعی به تاریخ پیوسته نیست و در صورت غفلت می‌تواند مجددا خسارت‌آفرین شود.

از ابتدای مذاکرات هسته‌ای در آغاز دهه ۹۰، رهبر انقلاب خطوط قرمز کشورمان را به صورت روشن بیان فرمودند اما با روی کار آمدن دولت روحانی، با مشاهده ضعف وزارت امور خارجه محمد جواد ظریف در مذاکرات بر این خطوط قرمز تاکید بیشتری شد؛ چه اینکه وزیر امور خارجه در ملاقات با رهبری اذعان می‌کند قادر به حفظ برخی خطوط قرمز در مذاکرات نیست و دیگر عضو تیم مذاکره‌کننده ایرانی عنوان می‌کند با اصرار بر برخی خطوط قرمز، توافقی در کار نبود!

عدم پذیرش محدودیت‌های زمانی بلندمدت و التزام به قید زمانی مشخص برای توافق، حفظ صنعت هسته‌ای و عدم خدشه به فعالیت‌های هسته‌ای با ادامه تحقیق و توسعه، منوط نشدن لغو تحریم‌ها به اجرای تعهدات ایران و غیرقابل قبول بودن بازرسی‌های غیرمتعارف بخشی از این خطوط قرمز بوده‌اند.

با این وجود، در بحبوحه توافق میان ایران و ۱+۵ در سال ۹۴ و در میانه شادی و سرور دولت سابق و حامیان آن، رهبری شروطی را برای اجرای بهتر برجام در نامه به رئیس‌جمهور سابق معین کردند اما دولت وقت که مانیفست خود را بر این گزاره یافته بود که «هر توافقی بهتر از عدم توافق است» به این شروط عمل نکرد تا منافع ملی به پای اهداف و اغراض سیاسی دولتمردان قربانی شود.

در نامه مکتوب رهبری آمده بود: محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است، دچار نقاط ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه به لحظه، می‌تواند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده کشور منتهی شود.

در بخش دیگری از شروط رهبر انقلاب آمده بود: از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساسا با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرایی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موکول شده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرف‌های مقابل تدارک شود، که از جمله آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپایی مبنی بر لغو تحریم‌هاست. در اعلام اتحادیه اروپایی و رئیس‌جمهور آمریکا، باید تصریح شود که این تحریم‌ها به کلی برداشته شده است. هرگونه اظهاری مبنی بر اینکه ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به منزله نقض برجام است. همچنین در سراسر دوره برجام، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است فعالیت‌های برجام را متوقف کند.

چیزی نگذشت که عمل نکردن به همین شروط با سهل‌انگاری و فضای ایده‌آلیسمی حاکم بر دولت و وزارت وقت خارجه، موجب عمل نکردن دولت اوباما به تعهدات برجامی و تحریک دولت ترامپ به خروج از برجام شد تا نه‌تنها هرگونه انتفاع اقتصادی کشورمان از توافق منتفی شود بلکه تمام تحریم‌ها نیز برگردد. تا جایی که حتی قبل از پاره کردن توافق توسط ترامپ هم، دبیر کل بانک مرکزی دولت روحانی دستاورد برجام را «تقریبا هیچ» خواند. از اینجا به بعد مقامات دولت سابق به جای اعتراف به اشتباه خود، برجام را یک پیروزی اخلاقی و شکست اخلاقی آمریکا جا زدند اما رهبر انقلاب در آن مقطع هدف از حضور ایران در مذاکرات را لغو تحریم‌ها بیان کردند نه اینکه جام اخلاق را ببریم.

در دوره فعلی هم که دولت جو بایدن در مذاکرات وین تلاش می‌کند از دادن هرگونه تضمینی خودداری کند و با احیای برجام شرایط را برای حفظ فشار بر ایران تثبیت کرده و امتیازهای حداقلی به کشورمان ببخشد، رهبری شروطی را برای عدم تکرار خسارت محض و از چاله به چاه نیفتادن در صورت احیای برجام تعیین کرده‌اند.

مهم‌ترین گزاره‌ای که معظم‌له تاکید داشته‌اند که برای طرف غربی و برخی جریانات داخلی تفهیم شود، این است که حفظ برجام ذاتا برای ایران ماهوی نیست و فقط لغو تحریم‌ها برای کشورمان موضوع اصلی است. بازخوانی شروط معظم‌له در این مسیر راه آینده را ترسیم خواهد کرد. رهبر انقلاب ۱۹ دی ۹۹ درباره شروط برجامی در دیدار مجازی با مردم آذربایجان شرقی گفتند: «من درباره این مسأله برجام، ۳-۲ نکته را عرض می‌کنم. نکته اول این است که بحث می‌کنند که آمریکا برگردد به برجام یا برنگردد. ما هیچ اصراری نداریم، هیچ عجله‌ای نداریم که آمریکا به برجام برگردد؛ اصلا مسأله ما این نیست که آمریکا به برجام برگردد یا برنگردد. آنچه مطالبه منطقی ما و مطالبه عقلانی ما است، رفع تحریم‌هاست؛ تحریم‌ها باید برداشته بشود. این حق غصب‌شده ملت ایران است؛ چه آمریکا، چه اروپا -که آویزان به آمریکا و دنباله‌رو آمریکاست- وظیفه دارند این حق ملت ایران را ادا کنند. اگر تحریم‌ها برداشته شد، خب! آن برگشت آمریکا به برجام معنایی خواهد داشت - البته مسأله خسارت‌ها هست که جزو مطالبات ما است و در مراحل بعدی دنبال خواهد شد- اما چنانچه تحریم‌ها برداشته نشد، برگشت آمریکا به برجام ممکن است حتی به ضرر ما تمام بشود؛ به نفع ما که نیست، [بلکه] به ضرر ما هم ممکن است باشد.